

عنوان مقاله:

روابط معنایی در تعریف نگاری در فرهنگ های یک زبانه

محل انتشار:

فصلنامه زبان پژوهی، دوره 11، شماره 31 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

بدری سادات سیدجلالی - دانشجوی دکترا دانشگاه الزهرا (س)

آریتا عباسی - گروه زبان شناسی دانشگاه الزهرا

خلاصه مقاله:

تعریف نگاری، شاید مهم‌ترین نقش فرهنگ های یک‌زبانه باشد که بسته به هدف‌های نگارش آن‌ها و مخاطب هایشان، به شیوه های گوناگون انجام می‌پذیرد. یکی از شیوه‌های تعریف‌نگاری، بهره‌گیری از روابط مفهومی در فرهنگ لغت است. پژوهش حاضر، بر آن است تا بر مبنای روشی تحلیلی-توصیفی، اهمیت استفاده از روابط معنایی در تعریف نگاری را برجسته نماید. به این منظور، با به کارگیری چارچوب نظری کاساگراند و هیل (Casagrande & Hale, 1967)، روابط معنایی در تعریف نگاری نمونه های استخراج شده از فرهنگ بزرگ سخن (Anvari, 2002) مورد واکاوی قرار گرفته اند. نمونه های پژوهش، با در نظر گرفتن این نکته که بتوانند حوزه-های معنایی گوناگونی را در برگیرند، به صورت تصادفی انتخاب شدند. هدف از این بررسی، آن است که ببینیم آیا به کارگیری روابط معنایی به کارآمدی بیشتری در تعریف نگاری می انجامد و آیا به کارگیری روابط معنایی در تعریف نگاری، نیازمند کاربرد شیوه‌های متفاوتی در فرهنگ نویسی است بررسی طبقه بندی سیزده گانه روابط معنایی در چارچوب نظری پژوهش نشان داد که الگوی نظری مورد اشاره به دلیل دقت و ظرافت در مرزبندی میان روابط معنایی، شایستگی آن را دارد که در فرهنگ های موضوعی با محوریت عناصر فرهنگ محور زبان، به کار گرفته شود. بررسی داده های پژوهش نشان می دهد که بهره گیری از روابط مفهومی در تعریف نگاری‌های فرهنگ بزرگ سخن، بیشتر به صورت ترکیبی مرسوم بوده است.

کلمات کلیدی:

فرهنگ نویسی، تعریف نگاری، روابط مفهومی، فرهنگ بزرگ سخن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/920075>

